

در محضر



صحابه

وصایا و مواعظ عشره ی مبشره (ده یار بهشتی)

مؤلف:

صالح احمد شامی

مترجم:

اقبال فلاحی فرد

بازنویسی و ویرایش:

عثمان نقشبندی



انتشارات کردستان

سنه

سرشناسه	شامی، صالح احمد	Ahmad Shami, Salih
عنوان قراردادی	مواعظ الصحابه رضی الله عنهم .فارسی	
عنوان و نام پدیدآور	در محضر صحابه (ترجمه‌ی کتاب مواعظ الصحابه) / صالح احمد الشامی، مترجم اقبال قلاهی فرد ؛ بازنویسی و ویرایش عثمان نقشبندی.	
مشخصات نشر	سنندج: انتشارات کردستان، ۱۳۹۰.	
مشخصات ظاهری	۲۵۵ ص.؛ ۱۴×۵/۲۱/۱۴ س.م.	
شابک	978-964-980-110-0	
وضعیت فهرست‌نویسی:	فپا	
یادداشت	کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان "رهنمودهای صحابه کرام بر مبنای منابع اهل سنت" با ترجمه عمر قادری توسط مدارا در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.	
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۵۲] - ۲۵۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.	
عنوان دیگر *	رهنمودهای صحابه کرام بر مبنای منابع اهل سنت.	
موضوع	صحابه -- احادیث اهل سنت	
موضوع	احادیث اخلاقی	
شناسه افزوده	قلاهی فرد، اقبال، ۱۳۶۲ - ، مترجم	
شناسه افزوده	نقشبندی، عثمان، ۱۳۵۳ - ، ویراستار	
رده بندی کنگره	۲۴۸BP الف ۱۳۹۰ ۸۰۴۱ م۲۵ش /	
رده بندی دیویی	۲۱۸/۲۹۷	
شماره کتابشناسی ملی:	۲۴۷۷۴۷۹	

تمام حقوق مادی و معنوی این کتاب محفوظ و مخصوص

انتشارات کردستان (سنندج) است

و هرگونه تجدید چاپ یا استفاده‌ی الکترونیکی و دیجیتالی از آن،
بدون اطلاع و اجازه‌ی ناشر، ممنوع و خلاف اصول شرعی و اخلاقی
و قابل پیگرد قانونی است.



انتشارات کردستان

Kurdistan Publication

سنندج - پاساژ عفت - تلفن: ۲۲۶۵۳۸۲

در محضر صحابه

✓ نام کتاب:	در محضر صحابه
✓ مؤلف:	صالح احمد الشامی
✓ مترجم:	اقبال فلاحی فرد
✓ بازنویسی و ویرایش:	شاهان انجمنی
✓ نوبت چاپ:	اول: ۱۳۹۱
✓ تیراژ:	۲۰۰۰ جلد
✓ تعداد صفحه و قطع:	۲۵۶ صفحه‌ی رقعه
✓ ناشر:	انتشارات کردستان

شابک: ۰ - ۱۱۰ - ۹۸۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 980 - 110 - 0

قیمت:

۶۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار مترجم
۱۷	مقدمه‌ی مؤلف
۲۱	کلام نیک
۲۵	این کتاب
۲۹	✓ فصل اول: الرقائق (سخنانی که رقت قلب می آورند)
۵۲	مواعظ پیامبر ﷺ
۵۳	هرچه زودتر توبه کردن
۵۴	ذکر خدا
۵۴	بهترین استغفارها
۵۵	دعا
۵۵	ثروت
۵۶	شالوده‌های اسلام
۵۶	انواع صدقات
۵۶	پای بندی به سنت
۵۶	کارهای ارجمند
۵۶	فرصت عمل
۵۶	کمال ایمان
۵۷	دنيا
۵۷	تعجیل در اعمال صالح
۵۷	حرص داشتن به مال دنیا
۵۸	احوال و اوضاع مؤمن همه‌اش خیر است
۵۸	تا نعمت خداوند (بر خود) را کم و حقیر
۵۹	شمارید!
۵۹	خداوند دیدار با وی را دوست می دارد
۵۹	مثال دنیا در مقابل آخرت
۵۹	خوش به حال غریبان!

کسی که به سنّ شصت سالگی رسیده ۵۹	دو چشم ۶۶
... و عمل باقی می ماند ۶۰	آرزوی مرگ ۶۶
... و کم تر می خندیدید ۶۰	اندک بودن نیکوکاران ۶۷
سخن ۶۱	اعمال بزرگ ۶۷
ترس و امید ۶۲	طلوع خورشید از مغرب (محلّ غروب) ۶۷
سؤال و مؤاخذه از نعمت ها ۶۳	خود ۶۹
اگر گناه نمی کردید ۶۴	در قبر ۷۱
ملازمّت تقوا ۶۵	مسأله دشوارتر از آن است! ۷۱
چهبسا زولیده‌ی خاک آلودی! ۶۵	دوستی ۷۲

✓ فصل دوم: مواعظ حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه ۷۵	
ابوبکر صدیق رضی الله عنه در چند سطر ۷۶	آن گاه که پادشاهان منحرف می شوند ۸۴
تواضع زیاد ۷۸	زندگی به تو بخشیده می شود! ۸۶
خودتان را محاسبه کنید ۷۸	نتیجه‌ی دشنام ۸۶
هشدار ۷۹	ارث احساس ها ۸۷
پایه ها و کلیات ۷۹	بلا ۸۷
افتخار به زینت دنیوی و شادی کردن برای ۸۷	آخر خطبه ها ۸۷
آن ۸۱	ورع ۸۷
چند درهم در هنگام مرگ ۸۲	نگاهی از سر عبوت ۸۷
اهل بدر و زمامداری ۸۳	برحذر داشتن از دنیا ۸۸
گیاه برگنده ۸۳	آنچه که هیچ خیری در آن وجود ندارد ۸۹
خطر زبان ۸۳	 ۸۹
نه، خدایت به سلامت دارد ۸۳	یادآوری آخرت ۸۹
نانات ۸۴	هیچ کس را کوچک نشمار! ۹۰
شرم از خدا ۸۴	خون و آبروی مسلمانان ۹۱

۹۴.....	بزرگواری و یقین	۹۱.....	مهربانی (دل رحمی)
۹۴.....	عمل برای آخرت	۹۱.....	تظاهر به گریه کردن
۹۶.....	نماز و زکات		از خداوند بخشش و سلامت درخواست
۹۶.....	قناعت به مقدار کافی	۹۱.....	کنید
۹۶.....	پزشك	۹۲.....	پاداش مؤمن
۹۷.....	درهم		از فخر پرهیزید! (از یکی از خطبه‌های
۹۷.....	خشمگین کردن نفس	۹۲.....	ابوبکر رضی الله عنه)
۹۹.....	✓ فصل سوم: مواظبت حضرت عمر فاروق رضی الله عنه		
۱۰۷.....	سریع راه رفتن	۱۰۰.....	عمر بن خطاب رضی الله عنه در چند سطر
۱۰۸.....	رضایت و خشنودی	۱۰۲.....	از نعمت پاسداری کن
۱۰۸.....	اگر روز قیامت نبود	۱۰۲.....	وصیت فاروق به پسرش
۱۰۸.....	بایم مهم نیست	۱۰۱.....	دعا
۱۰۹.....	همسایگی	۱۰۳.....	گوشه‌گیری
۱۰۹.....	شک و یقین	۱۰۳.....	آزمایش
۱۰۹.....	طلب رزق	۱۰۴.....	نصیحت‌کنندگان
۱۱۰.....	حَسْبُ اَنْفَالِ مالش است	۱۰۴.....	عمر مرد!
۱۱۰.....	پیش حاکمان رفتن	۱۰۴.....	دعایی برای اخلاص
۱۱۰.....	هرگز کفران نعمت نکند!	۱۰۴.....	مراجعه به سنت
۱۱۱.....	ترک گناه خیر است	۱۰۵.....	نفست را محاسبه کن
۱۱۱.....	امور سه دسته‌اند	۱۰۵.....	از اجابت محروم نخواهد ماند
	از اعمالتان، (رضایت) خداوند را بخواهید!	۱۰۶.....	رأس نیکی‌ها
۱۱۲.....		۱۰۶.....	مردان سه دسته‌اند
۱۱۲.....	وظیفه‌ی کارگزاران	۱۰۶.....	فریبنده نیستم
۱۱۳.....	عزت مسلمانان	۱۰۷.....	تزکیه

۱۲۲..... دنیای شما	۱۱۳..... بند دستوپا
۱۲۲..... صبر	۱۱۴..... بدتر از الاغ!
۱۲۲..... همشینی با توبه کنندگان	۱۱۴..... آنچه که عمر از آن می ترسد
۱۲۳..... ظروف علم	۱۱۴..... سخن آزارنده
۱۲۳..... مراعات هم دیگر و تعهد و حق شناسی	۱۱۴..... شخصیت و مروت
۱۲۳..... کجاست؟	۱۱۵..... ای کاش!
۱۲۳..... به فرزندانان بیاموزید!	۱۱۵..... ترس عمر
۱۲۳..... سخنان خوب	۱۱۵..... مسؤولیت حاکم
۱۲۴..... آموختن نحو	۱۱۶..... ترس و امید
۱۲۴..... صبر و شکر	۱۱۶..... خلیفه مالی قرض می کند
۱۲۴..... بخشی از نامه‌ی عمر بن خطاب (رضی الله عنه) به ابوموسی اشعری (رضی الله عنه)	۱۱۷..... پیروزی از طرف خداست
۱۲۴..... شناختن دوست و دشمن	۱۱۷..... فصاحت نداشتن در سخن
۱۲۶..... دو خواهان	۱۱۷..... ادب کردن نفس
۱۲۶..... تو را از خودت مشغول نکنند!	۱۱۷..... خانوادگی خلیفه و پای بندیشان به دستورات
۱۲۶..... اصلاح کار این امت	۱۱۸..... خداوند بندگانی دارد
۱۲۷..... دعاهایی که معروف و شناخته است	۱۱۸..... خودتان را محاسبه کنید
۱۲۷..... دعا در جاهلیت	۱۱۹..... مرگ قلب
۱۲۸..... مگر هرچه را آرزو کنید می خرید؟!۱	۱۱۹..... شناخت شر
۱۲۸..... وای به حال حاکم زمین	۱۱۹..... از وصایای او به خلیفه‌ی بعد از خودش
۱۲۹..... فرائض را بیاموزید	۱۲۰.....
۱۲۹..... در مورد فانی ضرر کنید!	۱۲۱..... قرآن بخوانید!
۱۲۹..... پارسایان	۱۲۱..... شغل
۱۳۰..... درمان بیماری‌های نفس (درون)	۱۲۱..... عزت اسلام
۱۳۰..... نشان دادن عیب‌ها	۱۲۲..... اخلاص نیت

۱۳۹.....	سر تواضع.....	۱۳۱.....	نسب و عمل.....
۱۳۹.....	همنشینی با اهل علم.....	۱۳۱.....	سخنندان.....
۱۴۰.....	عمل آشکار.....	۱۳۱.....	عالمی که دنیا را دوست می‌دارد.....
۱۴۰.....	عزت به وسیله‌ی اسلام.....	۱۳۲.....	خشوع در نماز.....
۱۴۰.....	نعمت‌های موجود در بلا و مصیبت.....	۱۳۲.....	جامه‌ی علم.....
۱۴۱.....	شراکتی که خداوند هم در آن سهم دارد!	۱۳۲.....	ناامیدی بی‌نیازی است.....
۱۴۱.....		۱۳۳.....	فقیر.....
۱۴۱.....	به پوشیدن لباس خشن عادت کنید!	۱۳۳.....	لغزش‌های زبان.....
۱۴۱.....	رضایت به ثروتمندی و فقر.....	۱۳۳.....	گوشه‌گیری.....
۱۴۲.....	بهترین اعمال.....	۱۳۳.....	سروری و دانش.....
۱۴۲.....	دانستن احکام معاملات.....	۱۳۴.....	تأخیر کردن.....
۱۴۲.....	ورع.....	۱۳۴.....	علامت راست بودن.....
۱۴۲.....	خشوع در قلب می‌باشد.....	۱۳۵.....	عذرخواهی کردن به دلیل مدح.....
۱۴۲.....	هر آنچه تو را ناراحت کند مصیبت	۱۳۵.....	قدرت عقل و فهم.....
۱۴۳.....	محسوب می‌شود.....	۱۳۵.....	اسباب علم.....
۱۴۳.....	شادی از رینت‌های دنیا.....	۱۳۶.....	تقوا.....
۱۴۳.....	نصیحتی به یک فرمانده.....	۱۳۶.....	جمع می‌کنند و نمی‌بخشند.....
۱۴۴.....	شروط به کارگماری (استخدام).....	۱۳۶.....	تواضع و فروتنی.....
۱۴۵.....	سفارش به خلیفه‌ی بعد از خود.....	۱۳۷.....	اسراف است.....
۱۴۶.....	آنچه آزارت می‌دهد.....	۱۳۷.....	دین ورع است.....
۱۴۶.....	کار امروز را به تأخیر مینداز.....	۱۳۷.....	مرد با امانتداری‌اش شناخته می‌شود.....
۱۴۷.....	شجاعت و ترس غریزی هستند.....	۱۳۸.....	قناعت کردن به اندازدی کافی.....
۱۴۷.....	حکمت.....	۱۳۸.....	تشویق به کار کردن.....
۱۴۷.....	جملات حکمت‌آمیز.....	۱۳۸.....	کار کنید و سربار نباشید!
۱۴۹.....	همه‌ی آن خوراکی است.....	۱۳۹.....	زهد.....

یا صبر، یا شکر..... ۱۴۹	بگو: نمی دانم..... ۱۵۰
از نعمت ها..... ۱۴۹	پایین آوردن اشک..... ۱۵۰
هنگامی که خداوند بنده ای را دوست	پرجرات ترین مردم..... ۱۵۱
می دارد..... ۱۵۰	راه های شناخت اشخاص..... ۱۵۱

✓ فصل چهارم: مواظظ حضرت عثمان ذی النورین..... ۱۵۳	
عثمان بن عفان رضی الله عنه در چند سطر..... ۱۵۴	دیار غرور و فریب..... ۱۵۹
تقوا..... ۱۵۶	دنیا محل اطمینان نیست..... ۱۶۱
آمادگی برای مرگ..... ۱۵۶	افزودن بر خیرات و نیکی ها..... ۱۶۱
دیدگاه مسلمان درباره ی دنیا..... ۱۵۷	رغبت گناهکار..... ۱۶۱
ترس عثمان..... ۱۵۸	راز درون..... ۱۶۱
نگاه کردن به مُصحف (قرآن)..... ۱۵۸	اگر قلب ها پاک می شدند..... ۱۶۲
آنچه که به طور کامل می رود بر نمی گردد..... ۱۶۲	دو نوع طعام..... ۱۶۲
..... ۱۵۸	قبز اولین منزل از منزل های آخرت..... ۱۶۲
آفت امت..... ۱۵۸	لباس عمل..... ۱۶۲
دامن نیک..... ۱۵۹	امر به معروف..... ۱۶۳

✓ فصل پنجم: مواظظ حضرت علی مرتضی رضی الله عنه ۱۶۵	
علی بن ابی طالب رضی الله عنه در چند سطر..... ۱۶۶	استغفار..... ۱۷۱
یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۶۸	عمل در ایام آرزو..... ۱۷۱
چراغ های هدایت..... ۱۶۸	اشتیاق بدون عمل..... ۱۷۳
حق و حقوق عالم..... ۱۶۹	بهترین عبادت..... ۱۷۳
توصیف دنیا..... ۱۷۰	راه میانه..... ۱۷۳
خایفان (ترسندگان)..... ۱۷۰	فروتنی و افتخار..... ۱۷۴
امیدوارم و می ترسم..... ۱۷۱	نظر بزرگ تر..... ۱۷۵

۱۸۴..... تشویق به کار کردن	۱۷۵..... دنیا را نکوهش نکنید!
۱۸۴..... عقل و جهل	در مورد چیزی که نیست خودت را به
نصیحت به کَمیل بن زیاد - علم و	زحمت نینداز!..... ۱۷۶
۱۸۴..... علما	۱۷۶..... حکمت را پذیرا باش!
۱۸۷..... قلب‌های پاک	۱۷۶..... رحمت خداوند
چشمه‌های علم..... ۱۸۸	بر اساس آنچه که خداوند دوست می‌دارد
۱۸۸..... تقوا مصونیت است	۱۷۷.....
فرستاده‌ای که در نمی‌زند..... ۱۸۹	۱۷۸..... متوسط (میان‌رو) باش!
۱۹۰..... صبر کردن	۱۷۸..... شناخت حقیقت
به قلب‌هایتان جانی تازه بدهید!..... ۱۹۰	۱۷۸..... سلام کردن بر گورستان
۱۹۰..... سروران مردم	اگر به مردگان اجازه‌ی صحبت کردن داده
۱۹۱..... مصیبت آزمایش است	می‌شد..... ۱۷۹
۱۹۱..... نماینده (جانشین) خودت شوا..... ۱۹۱	۱۷۹..... دعا و درخواست
۱۹۱..... ملاقات چه قدر سریع خواهد بود!..... ۱۹۱	فقیه..... ۱۸۰
۱۹۲..... زهد (پرهیزگاری)..... ۱۹۲	در اندیشه‌ی بعد از مرگت باش!..... ۱۸۰
عالم در مورد چه چیزی صحبت کند؟..... ۱۹۲	شما را با فاسد کردن خودم اصلاح نمی‌کنم!
۱۹۲..... سفری که گریزی از آن نیست..... ۱۹۲	۱۸۱.....
نامدای از وی به پرسش. محمد بن حنفیه	از فرزندان آخرت باشید..... ۱۸۱
۱۹۴.....	۱۸۲..... با زبان‌هایتان با مردم بیامیزد
۱۹۸..... (عزت و حیات) شخص به قوم است	۱۸۲..... قبول شدن عمل
۱۹۹..... بهترین‌های امت	غنیمت دانستن فرصت (و وقت‌شناسی)
از غیر خدا درخواست می‌کند..... ۱۹۹	۱۸۲.....
۱۹۹..... چند سخن حکمت‌آمیز..... ۱۹۹	خداوند کجاست؟..... ۱۸۲
۲۰۱..... مسافت‌ها (فاصله‌ها)..... ۲۰۱	۱۸۳..... خیر
۲۰۱..... گفتار نرم	۱۸۳..... پنج چیز را یاد بگیرید و حفظ کنید!

۲۱۱.....	خنده‌ی عالم.....	۲۰۱.....	پاداش شکیبایی.....
۲۱۱.....	زهد در آموختنِ علم.....	۲۰۲.....	با برادرت قطع رابطه نکن!.....
۲۱۱.....	علم و عمل.....	۲۰۲.....	شخصِ بد اخلاق.....
۲۱۲.....	خدا می‌داند.....	۲۰۲.....	شرافت.....
۲۱۲.....	از تبعیت اشخاص بپرهیزید.....	۲۰۲.....	نامه‌ای از او به پسرش حسن (علیه السلام).....
۲۱۳.....	کشت.....	۲۰۵.....	اهل علم.....
۲۱۳.....	طلب بهشت.....	۲۰۵.....	دو همراه.....
۲۱۴.....	نشانه‌های ریا.....	۲۰۵.....	تسلیت.....
۲۱۴.....	لباس.....	۲۰۶.....	ارزش انسان.....
۲۱۵.....	حمل احتیاجات.....	۲۰۶.....	برای خودش است.....
۲۱۵.....	عاقلان تنگدستند!.....	۲۰۷.....	از (نشانه‌های) خوشبختی.....
۲۱۵.....	ناامیدی بزرگ‌ترین گناه است.....	۲۰۷.....	کهنه شدن علم.....
۲۱۵.....	دنیا سفره‌ی حاضری است.....	۲۰۷.....	صاحبِ عیال مستحق تر است که حمل کند.....
۲۱۶.....	مثال قلب‌ها.....	۲۰۷.....	
۲۱۷.....	شهوت‌ها و بهشت.....	۲۰۸.....	عالم‌ترین مردم.....
۲۱۷.....	مسئله‌ی تواضع.....	۲۰۸.....	در گروِ معلم هستم.....
۲۱۸.....	طالب و مطلوب.....	۲۰۸.....	دنبالِ حکمت و دانش گشتن.....
۲۱۸.....	گشایش نزدیک.....	۲۰۸.....	پیراهن وصله‌زده و زیر.....
۲۱۹.....	زیان ناشی از مخفی شدنِ رمامداران.....	۲۰۹.....	بهترین مسلمانان.....
۲۲۰.....	به آنچه گفته می‌شود مگر.....	۲۰۹.....	خوبی کردن.....
۲۲۰.....	برادری همیشگی.....	۲۰۹.....	مسلمان در آخرالزمان.....
۲۲۰.....	گناهان و رحمت خدا.....	۲۱۰.....	گفتگوی علمی.....
۲۲۱.....	تعادل خوف و رجا (ترس و امیدواری).....	۲۱۰.....	عالم‌های ستمگر.....
۲۲۱.....	چهار ساعت.....	۲۱۰.....	کم بودنِ کسانی که منکر را رشت.....
۲۲۱.....	ادای حق.....	۲۱۰.....	می‌شمارند.....

۲۲۸	بلا و صبر.....	۲۲۲	اجل سپر است.....
۲۲۸	اسم اسلام.....	۲۲۲	تقلید در لباس پوشیدن.....
۲۲۸	تبریک گفتن به خاطر زندگی دوباره.....	۲۲۲	مرگ و بعد از آن.....
۲۳۰	آفت‌ها.....	۲۲۳	ترک کردن امر به معروف.....
۲۳۰	نزدیک و دور (خویش و بیگانه).....	۲۲۴	شتاب کردن در اخلاق نیکو.....
۲۳۱	همنشینی پرهیزگاران.....	۲۲۴	امر به معروف.....
۲۳۱	شکیبایی و مردانگی.....	۲۲۵	علم معاملات.....
۲۳۱	توصیف دنیا.....	۲۲۵	پرهیزگاران.....
۲۳۲	دنیا مردار است.....	۲۲۵	چهار و چهار.....
		۲۲۶	امیدواری بدون انجام عمل صالح.....
۲۳۳	✓ فصل ششم: مواعظ حضرت ابو عبیده بن جراح رضی الله عنه		
۲۳۵	نیازت را فهمیدم.....	۲۳۴	نابودی.....
۲۳۵	آرزو داشتم.....	۲۳۴	اثر نیکی‌ها.....
۲۳۶	مراقبت نفس.....	۲۳۵	در پوست او.....
۲۳۷	✓ فصل هفتم: مواعظ حضرت طلحه بن عبیدالله رضی الله عنه		
۲۳۸	بخشش و بخل.....	۲۳۸	با این افراد مشورت نکن.....
		۲۳۸	معاشرت با مردم.....
۲۳۹	✓ فصل هشتم: مواعظ حضرت زبیر بن عوام رضی الله عنه		
۲۴۰	توصیه به پرداخت قرض.....	۲۴۰	حجت بودن سنت.....
۲۴۱	غیرت و عذرخواهی.....	۲۴۰	پس انداز پنهانی از عمل صالح.....

۲۴۳	✓ فصل نهم: مواعظ حضرت عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه
۲۴۴	آسایش و سختی
۲۴۴	سبب ثروتمندی
۲۴۵	ترس از تعجیل پاداش‌ها
۲۴۷	✓ فصل دهم: مواعظ حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه
۲۴۸	وصیت سعد به فرزندش
۲۴۸	گوشه‌گیری از فتنه‌ها
۲۴۹	به دینمان نرسیده
۲۴۹	غرور و تکبر
۲۴۹	قناعت
۲۵۰	دعا باید مطابق یا ماثورات باشد
۲۵۰	روشن‌گری راه در فتنه‌ها
۲۵۱	تقدیر الهی نیکوتر است
۲۵۳	✓ فصل یازدهم: مواعظ حضرت سعید بن زید رضی الله عنه
۲۵۴	فضیلت صحابه
۲۵۵	منابع مؤلف

پیشگفتار مترجم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين
و حبيب رب العالمين سيدنا محمد وعلى آله وصحبه والتابعين له بإحسان
أجمعين إلى يوم الدين.

بی‌گمان، خداوند در طول تاریخ رسولانی را برای هدایت جوامع انسانی
ارسال فرموده است و هر کدام از این رسولان هم دارای پیروانی از میان انسان‌ها
بوده که آن پیروان، چون یاران وفادار، او را در غم‌ها و شادی‌ها و سختی‌های
امر رسالت و اعلان آن در میان مستکبران و طغویان یاری و همراهی کرده،
در راه آن پیامبر، فداکاری و جان‌فدایی می‌کردند، و پیامبر اسلام، حضرت
محمد المصطفی ﷺ نیز از این قاعده مستثنی نبوده، بلکه یاران ایشان - که به
عنوان "اصحاب آن حضرت" شناخته می‌شوند - از هیچ گونه جان‌فشانی و
ایثارگری‌ای در راه تبلیغ هر چه بهتر دین و آیین پیامبر ﷺ، اسلام و خدمت به
ایشان، دریغ نمی‌کردند و گمان در این نیست که اصحاب پیامبر اسلام
شریف‌ترین مردمان تاریخ انسان از ابتدا تا انتها بعد از انبیای الهی می‌باشند
و از فضل و بزرگواری این طایفه‌ی منصوره هر چه بگوییم باز هم حق مطلب را
ادا نکرده‌ایم و زبان و قلم در توصیف حقیقت و عظمت آن بزرگان عاجز

است؛ زیرا خداوند عزوجل در شأن آن‌ها فرموده است: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾: «خداوند از آنان خشنود است و ایشان هم از خداوند خشنودند».

بنابر همین فضیلت می‌باشد که گفتار گهربار ایشان، بعد از قرآن و سنت، در صدر سخنان دینی و مورد توجه مسلمانان می‌باشد و تعجب این جانب از آن است که کتاب‌هایی چون کتاب حاضر از نویسنده‌ی عالی‌قدر جناب استاد «صالح احمد الشامی» بسیار اندک هستند و تا به حال هم کسی اقدام به جمع‌آوری و ترجمه‌ی این سخنان ارزشمند نکرده است. ان شاء الله که خداوند این کار استاد الشامی را از وی بپذیرد و سبب اجر و پاداش برای وی قرار دهد.

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است:

بخش اول، بعد از مقدمه و توضیحی درباره‌ی محتوای کتاب قرار دارد و تحت عنوان الرقائق (سخنانی که سبب دل‌نرمی و رقت قلب می‌شوند) آمده و از احادیث گران‌سنگ حضرت رسول ﷺ می‌باشد؛

بخش دوم، شامل نصایح و پندهای صحابه - رضی الله عنهم - و قسمت اصلی کتاب است.

این جانب، بنابر علاقه‌ی شخصی و نیز پیشنهاد دست‌اندرکاران انتشارات کردستان، اقدام به ترجمه‌ی این اثر ارزشمند به فارسی کردم - و البته، تنها بخش احادیث پیامبر ﷺ و مواظب عشره مبشره از کتاب ترجمه شد به علاوه آن‌که موارد معدودی هم از مواظب برخی از آنان به دلیل تکراری بودن و یا نیاز به توضیح حذف شد و نیز، متن عربی احادیث هم همراه ترجمه آورده شد - تا کتاب در دسترس عموم مسلمانان قرار گیرد و آنان از گلستان صحابه

دسته گلی بچینند و از سخنان مشک گونه‌ی آن بزرگواران بویی استشمام کنند. این جانب تمام تلاش خود را در ترجمه‌ی کتاب به کار بردم و البته ادعایی هم بر عاری بودن ترجمه‌ی خود از هرگونه عیب و نقص و کوتاهی‌ای ندارم و امیدوارم که خوانندگان عزیز از تفصیلات من در آن بگذرند و اگر ممکن شد، تذکر دهند.

در پایان، جا دارد که از ناشر محترم تشکر و قدردانی کنم؛ و همچنین، از ویراستار گرامی، مشوق اصلی‌ام جناب آقای عثمان نقشبندی و عزیزان دیگری که مرا در این امر مهم یاری نمودند، نهایت تشکر و قدردانی دارم و از خداوند متعال برای آن‌ها اجر جزیل خواستارم و از او می‌خواهم که این کار مرا برای خود خالص گرداند و به عنوان حسنه‌ای برای روز قیامت در کفّه‌ی ترازوی اعمالم قرار دهد. ان شاء الله.

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْعَلِيمُ وَتُبْ عَلَيْنَا
إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾

خدایا! چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

فقیرِ اِلَى اللّٰهِ:

اقبال فلاحی فرد

سفر - ۱۶/۶/۱۳۸۸ موافق ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۲۰ قمری

مقدمه‌ی مؤلف

سپاس و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است؛ بهترین سلام و درود و صلوات‌ها بر سرورمان محمد ﷺ فرستاده‌ای باد که به عنوان رحمت برای جهانیان برانگیخته شد، و نیز بر همه‌ی آل و اصحاب او.

و بعد،

نسل صحابه‌ی رسول الله ﷺ نوک پیکان خط فاصل نسل‌ها در تاریخ انسانیّت به شمار می‌رود، چرا که آن‌ها کسانی بودند که خداوند برگزید تا که همراهان رسول او ﷺ باشند در کاروان حمل رسالت هدایت، کاروانی که از سرزمین ام‌القری (مکه) به راه افتاد تا نیکی و هدایت را به تمام نقاط دنیا ببرد؛ و هیچ نسلی قبل از آن‌ها به این جایگاه ارتقا پیدا نکرده و هرگز هم هیچ نسلی دیگری بعد از آن‌ها به آن نخواهد رسید و این، چیزی است که پیامبر راستگوی تأییدشده به فرموده‌ی خویش اعلام و تقریر فرموده: «بهترین دوران‌ها، دوران من است و بعد از آن هم، کسانی هستند که بعد از ایشان می‌آیند (تابعین)» و آیه‌ی شریفه هم بدان تصریح کرده: ﴿اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ﴾^۱: «خداوند بهتر می‌داند که رسالتش را در کجا قرار دهد».

این نسل، نسلی بود که با نازل شدن آیه آیه‌ی قرآن از آسمان زیست... با کلمات قرآن و با حروف قرآن... و با تپش‌های دل و جان پیامبر ﷺ و جاری شدن عرق از صورت آن حضرت ﷺ در هنگام دریافت وحی، زندگی کرد و همه را به چشم خود دید... و با انکار و تکذیب و آزارها و فشارها و شکنجه‌ها و محاصره... و سپس، با آوارگی و هجرت به خاطر اعتقادات همراه و همگام شد... و سپس هم، وطن و دارایی خود را ترک کرد تا مرحله‌ی جهاد در برابر ستم و دشمنی و تجاوز را آغاز کند و، پس از آن، آن نور را برای مردم ببرد، تمام مردم.

قدم... به... قدم و با بر جای پای پیامبر بزرگ ﷺ و پشت سر او آنان دستورات و تعلیمات پیامبر ﷺ را می‌شنیدند، از آنچه که وی از آن نهی می‌کرد دوری می‌کردند، دعوتش را لیک اطاعت می‌گفتند، از خوشحالی او خوشحال بودند، از غم و اندوه او اندوه‌گین می‌شدند و خود و خانواده و دارایی‌هایشان را فدای او می‌کردند...

آن‌ها نسلی بی‌نظیر بودند، نسلی که جایگاه و منزلتش را تنها انسان مؤمن و دارای ایمان واقعی می‌شناسد و ارج می‌نهد و غیر از منافق کسی از منزلت آن‌ها نمی‌کاهد.

آنچه که برای این قوم (صحابه) فراهم شد برای غیر آنان نشد و بنابراین، تجارب و اطلاعات و فهمشان از امور، مرجع و منبعی برای فهم قرآن و سنت پیامبر ﷺ به شمار می‌آید و از این رو، گفتارشان مرجعی مهم برای هر مسلمان به شمار می‌رود، زیرا که این اقوال و آثار فرد مسلمان را به آن زمان بهتر می‌برد و به او امکان می‌دهد که از آن بوی خوش استشمام کند و شمیم آن بوی

خوش و نسیمِ عطرآمیز را سرکشد و با چشمِ دل خود شخصیت‌های آن اسم‌هایی را ببیند که هنوز و با گذرِ زمان هم دل و دیده را روشن می‌کنند.

این موارد و حقایق و چیزهای بسیارِ دیگر بود که مرا بر آن داشت که اقدام به جمع آوری آنچه از گفتار و مواظطِ صحابه - رضی الله عنهم اجمعین - که برایم میسر می شود کنم، شاید که قدمی گردد بر مسیرِ بازگشت به این دین و تمسک به تعالیم آن.

از خداوند می‌خواهیم که مسلمانان را، به برگرداندنی نیکو، به راه و روش آن‌ها برگرداند. و این عمل و سایر اعمالمان را تنها برای خودش قرار دهد که همانا او بهترین کسی است که از او چیزی می‌خواهند.

سلام و درود خداوند بر سرورمان محمد ﷺ و آل و اصحابش باد، و
آخرین گفتارمان این است که: سیاسی و سنایش باد پروردگار جهانیان را.

تو سمنده

صالح احمد الشامي

١ ربيع الأول ١٤١٩ هجرى